

کاشانه

ویژ منامه هفتگی سبک زندگی
و خانواده روزنامه جوان



پنج‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۱ - ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴

مغطله‌ای که بینایی را از ما می‌گیرد

مراقب دام واگن‌بند باشیم

■ «مغطله» یعنی آوردن دلیل اشتباه یا غیرمجاز برای استدلال کلام یا رفتار. مغطله انواع گوناگونی دارد که یکی از آنها مغطله واگن‌بند یا توسل به اکثریت است. واگن‌بند به ارایه‌هایی گفته می‌شود که یک گروه موسیقی را در کارناوال عمومی به پیش می‌برد. معمولاً مردم هم پشت سر این ارایه‌ها حرکت می‌کنند. اتفاقی که در جامعه به وفور رخ می‌دهد و افراد بدون اینکه از درستی منطق یا خبری آگاه باشند، به پیروی از بقیه آن را دنبال می‌کنند. در واقع گاهی خودمان را به یک جریان اشتباه که اکثریت از آن پیروی می‌کنند وصل می‌کنیم، بی‌آنکه بدانیم کار اشتباه نتیجه‌اش اشتباه است، حتی اگر همه مردم آن را تجربه کرده باشند!

خوشه‌چین

اصرار بیهوده بر سکونت در اما و اگر

حسن
فرامرزی

آن غربی‌خانه می‌جست از شتاب دوستی بر دش سوی خانه خراب گفت او این را اگر سقفی پدی پهلوی من، مر تو را مسکن شدی هم عیال تو بیا سودی اگر در میانه‌داشتی جیره دگر گفت آری پهلوی یاران بهست لیک‌ای جان در «اگر» نتوان نشست دقایق عمر ما اغلب صرف این می‌شود در جایی که نمی‌شود ایستاد بایستیم، در جایی که نمی‌شود استراحت کرد استراحت کنیم، در جایی که نمی‌شود نفس کشید نفس بکشیم، به عبارت دیگر ما دنبال این هستیم که در «اما و اگر‌ها» جایی برای نشستن و پناه گرفتن پیدا کنیم، در صورتی که توجه نمی‌کنیم در اما و اگر اندک فضایی برای زندگی و نفس کشیدن در اختیار ما قرار نمی‌گیرد و اصلاً علت اینکه ما در زندگی احساس خفگی می‌کنیم به خاطر اصرار اشتباه‌مان در سکنی گزیدن در اما و اگر‌ها- طغیان دایمی حسرت‌ها و آرزوها و تصویرسازی‌های ذهنی است.

حکایت کوتاه و بسیار معنادار مولانا از این قرار

است: غربی‌ری در جایی با شتاب دنبال پیدا کردن خانه‌ای است. فردی که ادعای دوستی هم می‌کند او را به خانه خرابی می‌برد که در جوار خانه‌اش قرار دارد و می‌گوید اگر این خانه سقفی داشت تو می‌توانستی در کنار من در آن سکنی بگزینی و همسرت را هم به این خانه بیاوری... پاسخی که آن غریب به این نسیه‌بازی‌های شسبه مهربانانه می‌دهد صریح است: گفت آری پهلوی یاران بهست لیک‌ای جان در «اگر» نتوان نشست، خاستگاه بسیاری از دره‌هایی که مادر زندگی می‌کشم در اصرار غیر منطقی‌ای است که در آن می‌خواهیم از اما و اگر‌ها برای خود، منزل و سکونتگاه بسازیم، اگر به جریان افکار خود در طول روز نگاه کنیم می‌بینیم این اتفاق به طور مرتب برای ما هم می‌افتد. در واقع فرد مدعی دوستی در این حکایت، قواعد، اسلوب‌ها و الگوهای

چگونه مثل فرزندان‌مان به کاربر حرفه‌ای فضای مجازی تبدیل شویم؟

والدین مبتدی وبچه‌های حرفه‌ای



حمید هنر جو، مؤلف و پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان مطرح کرد

قحطی کتاب خوب برای نسل نِت‌زده



حفظ بود و می‌توانست خط فارسی میانه و اوستایی را بخواند. حضور فعال در جریان بیرون راندن بریتانیایی‌ها از مناطق نفتی ایران، یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی اجتماعی و سیاسی پروفیسور حسایی به شمار می‌رود که کمتر به آن توجه شده است. وی رویکردهای ضداستعماری داشت و در زمره مخالفان قرار داد کنسرسیونم بود. پروفیسور حسایی نخستین مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و رئیس هیئت مدیره این شرکت بود. زمانی که دولت حسنعلی منصور به دنبال تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود، پروفیسور محمود حسایی از منتقدان جدی آن به حساب می‌آمد و آشکارا به مخالفت با این لایحه استعماری پرداخت. پروفیسور حسایی تمام عمر خویش مشغول کسب علم و انتقال آن به دیگران بود و این یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت چشم‌گیر و ماندگار اوست. در سن ۱۷ سالگی توانست لیسانس ادبیات بگیرد و در سن ۱۹ سالگی هم لیسانس بیولوژی را در یافت کرد. این روند ادامه یافت و پرفیسور حسایی مدام به دنبال کسب علوم جدید بود و به عبارتی می‌توان گفت که زندگی خودش را وقف کسب علم کرد. حسایی پس از تحصیل در زمینه مهندسی راه و ساختمان در بیروت به پاریس رفت و در آنجامشغول تحصیل در زمینه مهندسی

در احوالات پروفیسور محمود حسایی نماد نبوغ و پشتکار ایرانی

دکتر محمود حسایی از چهره‌هایی است که ایرانیان به واسطه او می‌توانند به هوش‌نبوغ و پشتکار خودافتخار کنند. علامه ذوالفقون، پدر علم نوین در ایران، همکار و شاگرد آلبرت آینشتین، بزرگ‌ترین فیزیکدان ایرانی، صاحب نظریه‌ای بدیع در فیزیک ذرات و... اینها چند نمونه از القاب برای تعریف شخصیت و جایگاه دکتر محمود حسایی است. در تهران و در خانواده‌ای با اصالت تفرشی زاده شد. پدرش عباس خان معزالسلطنه از رجال خوشنام دوره قاجار بود و مادرش، گوهرشاد حسایی از بانوان متدینی بود که به تحصیلات روزآمد فرزندش اهتمام فراوانی داشت. محمود حسایی در منزل و نزد مادرش قرآن را اموخت. همزمان با آموزش ادبیات فارسی به فراگیری موسیقی پرداخت و حتی توانست مدرک نجات غریق هم در یافت کند. بعدها و به مرور با تکیه بر توانمندی موسیقایی خود، به‌ویژه در ناختن ویولن و سنتار، نخستین انجمن موسیقی ایران را بنیانگذاری کرد. به علت تعلیم‌هایی که مادرش به او داده بود، از همان دوران کودکی با علم ادبیات آشنا بود. دکتر حسایی علاقه و انس عجیبی با شاعران ایرانی به خصوص سعدی و حافظ داشت. نتیجه این علاقه بسیار به علم ادبیات تألیف و تدوین دیوان حافظ به تصحیح دکتر حسایی است و همچنین به چهار زبان مسلط و گلسنان سعدی را

در کوی نیکبامان



غلط ذهنی خود ماست. آیا جز این است که من برای آسودن و رسیدن به آرامش دست به دامان الگوهای ناکارآمدی می‌شوم، اما آن الگوها مثل مرد مدعی دوستی این حکایت مرا دست به سر می‌کنند و در نهایت فضایی در اختیار من قرار نمی‌دهند؟ مسئله ما در زندگی این است که ما مثل آن فرد غریب، دنبال فضایی برای آرامش درونی می‌گردیم، اما مراجعه ما به الگوهای اشتباه است. در واقع من به نگرانی‌ها مراجعه می‌کنم و از نگرانی‌های می‌خواهم فضایی امن در اختیار من قرار دهد، در صورتی که فضای امنی در چنته نگرانی وجود ندارد، مثل این است که من به آتش مراجعه کرده باشم و از او خنکی بخواهم.

به حکایت رجوع دوباره داشته باشیم. غریب این حکایت تا چه زمانی در آن خرابه خواهد ماند و فضای واقعی آرامش، رشد و تعالی را از دست خواهد داد؟ تا زمانی که آگاه شود جایی که در آن ایستاده جای سکونت نیست. می‌بینیم او بلافاصله نسبت به این موضوع آگاه می‌شود و می‌گوید: «گفت آری پهلوی یاران بهست لیک‌ای جان در اگر نتوان نشست.» حال سؤال این است: ما تا چه زمانی در الگوهای غلط ذهنی خود متوقف خواهیم شد؟ تا زمانی که آگاه شویم جایی که در آن

ایستاده‌ایم جای ماندن نیست. پس ما چرا اصرار داریم در جای اشتباه بایستیم؟ به خاطر این است که تصور می‌کنیم می‌توانیم نادرستی را با توسل به نادرستی تعمیر کنیم و از آن درستی بیرون بکشیم. انگار من امید دارم بالاخره با آویخته شدن از نگرانی می‌توانم به امنیت برسم. به حرف مولانا در این حکایت برگردیم، اگر می‌خواهی تغییر کنی و فضای واقعی تغییر را برای خود تدارک ببینی به جای اینکه مشغول خیالبافی‌های شیرین شوی به واقعیت تلخ و بیابور، آوار شدن بهتر از سکونت در اما و اگرهای زائد و خیالی‌فانه است. آدمی که پذیرفته است آواره و بی‌قرار است می‌تواند به آوار گی و بی‌قراری خود خاتمه دهد، اما کسی که اگر‌های به ظاهر شیرین را حائل میان خود و آوار گی و بی‌قراری خود قرار می‌دهد هم چنان آواره و بی‌قرار خواهد ماند.

خودمانی

نیره ساری حتما شنیده‌اید که در رابطه با اخلاق خوب از حسن خلق حرف می‌زنند، نقطه مقابل حسن خلق سوء خلق است؛ سوء خلق ابعاد گسترده‌ای دارد که یکی از آنها بدزبانی است. حالا همین زبان چند سانتیمتری تقریباً ۳۰ مصداق دارد که می‌تواند با آنها دیگران را آزار بدهد که یکی از آنها فحاشی است. شاید در طول روز همه ما حداقل ناخواسته یک‌بار شنونده فحش باشیم؛ فحاشی‌هایی که ممکن است به دلیل تکرار عادی هم شده باشد و از کنار آن ساده عبور کنیم. شاید برای همه ما پیش آمده باشد که به یک نفر بگوییم «چرا فحش میدی؟» و او در جواب بگوید فلان لغت که فحش نیست! یا این وصف باید پرسید پس چه کلماتی فحش به حساب می‌آید؟! از یک منظر هر حرفی که عقلای آن را مذمت کنند و بگویند نباید آن را گفت فحش به حساب می‌آید. برخی معتقدند به کار بردن سخن زشت و دور از شأن انسان فحش محسوب می‌شود. بدین معنی که فقط الفاظ خاص فحش نیست، بلکه هر سخن زشتی را می‌توان در دایره ناسزا تعریف کرد. اما چرا فحاشی؟! خب اگر حرفی داریم با منطق بزنیم، ناسزاگویی باعث می‌شود حتی حرف منطقی هم دیده نشود و نتیجه این خواهد شد که بقیه فرد فحاش را لایق احترام نمی‌بینند، به همین سادگی. افراد به سه انگیزه فحش می‌دهند. عده‌ای هستند که وقتی فحش می‌دهند، قصد جدی دارند. این اتفاق در شرایط غیرعادی اتفاق

اگر حرفی داریم با منطق بزنیم، ناسزاگویی باعث می‌شود حتی حرف منطقی هم دیده نشود و نتیجه این خواهد شد که بقیه فرد فحاش را لایق احترام نمی‌بینند، به همین سادگی



از سبزی‌شویان در سینک ظرفشویی تا قالی‌شویان در حیاط و پشت بام

بحران سال‌های بی‌آبی و توجیهات آبگی‌ما

درباره توجه و حواس‌پرتی در این عصر پرهیاهو

حواست را جمع کن اما ارزان نفروش



تماشای چاه عروس را از دست ندهید

عروسی در دل کویر ابوزید آباد

مراقب کپی پیست‌های فرزندان باشید

گوگل عزیز!

یک تحقیق بده ببرم مدرسه



الکترونیک شدمدتی بعد به فیزیک علاقه پیداوبرای تحصیل در این رشته با فیزیکدانی غربی مشورت کرد. او به دکتر حسایی می‌گوید که سن و سالش برای خواندن فیزیک بیش از حد بالاست، اما او نه‌ایتاً مدرک خود را در زمینه فیزیک نظری زیر نظر فیزیکدانی که نه چندان مشهور کسب می‌کند و به ایران بازمی‌گردد. دکتر حسایی بهترین امکانات و موقعیت‌های پیشرفته‌ترین کشورها دنیا را به قصد سرریزندی ایران رها کرد و با وجود عدم استقبال و همراهی مسئولان وقت در دوران پهلوی، با تحمل دشواری‌های بسیار در ایجاد مراکز علمی، صنعتی، فرهنگی و پژوهشی، توفیقات بی‌مانندی را به دست آورد. مروری به آنچه در مورد پروفیسور حسایی نقل می‌شود، بر بزرگ بودن منش و شخصیت ایشان، عشق و علاقه‌شان به علم و دانش، یادگیری همراه با عمل و نیز تلاش پیوسته در راستای بهتر شدن اوضاع مردم این مرز و بوم تأیید می‌کند. ختم کلام اینکه نمی‌توان فردی را پیدا کرد که بزرگی دکتر حسایی و اقداماتش را انکار کند.

ولی جوابم را نمی‌دهی؟ مردی در عالم رویا به او گفت: تو خدا را باید بزبانی و قلبی ناپاک و آلوده و نیت غیر صادق خواندی. دست از بد زبانی بردار و قلبت را با تقوی الهی پاک و نیتت را نیکو کن تا دعایت مستجاب شود. مرد دست از بدزبانی برداشت و دعایش مستجاب شد. حجت‌الاسلام والمسلمین علوی تهرانی از اساتید اخلاق در نکوهش فحاشی می‌گوید: «به مرد گاننان فحش ندهید» و در توضیح آن به حدیثی از حضرت رسول (ص) اشاره می‌کند مبنی بر اینکه «به در گذشتگانان فحش ندهید. نگویید خدا از سر تقصیرات او نگذرد. با این کار زندگان را می‌آزاید.» استاد علوی تهران معتقد است: «به مخلوقات خداوند هم نباید فحش داد» و مجدداً به حدیث پیامبر (ص) اشاره می‌کند مبنی بر اینکه «هیچ یک از مخلوقات خدا را دشنام نده.» استاد علوی در اظهارات خود به نقل از پیامبر ادامه می‌دهد: «روزگار را فحش ندهید. خالق روزگار، خداست.» پیامبر (ص) فرموده‌اند: به پادها فحش ندهید که این‌ها مأموران الهی هستند. در حالات مختلف هم فحش ندهید. به کوه‌ها و ساعت‌ها و روز و شب فحش ندهید. اگر چنین کردید گنهارک هستید و این فحاشی به خود شما برمی‌گردد. همچنین پروردگار عالم در سوره انعام آیه ۱۰۸ می‌فرماید: «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند!» دوست عزیز تمرین کن تا دایره لغات را از فحش خالی کنی، چرا که همه چیز مخلوق خداست!